



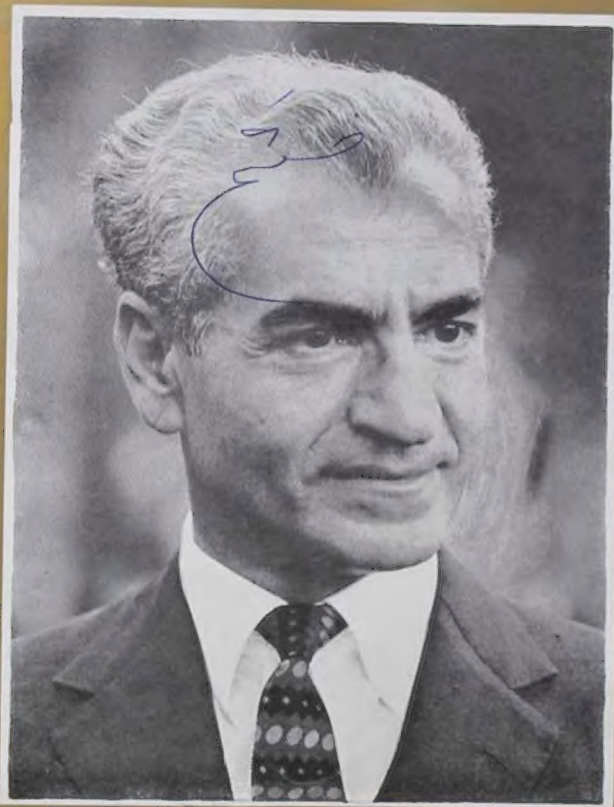
سلسله انتشارات انجمن آثار ملی  
۶۶

# تاریخ بناکتی

روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ والاشاب

پیش  
دکتر حفیظ شاعر

تبریز ۱۳۳۸





سلسلہ افشارت انجمن آثار ملی  
۶۶

# تاریخ بناکمی

روضہ اولی الالباب فی معرفۃ التواریخ والانساب

پیشکش  
دکتر حفیظ شکار

تران ۱۳۴۸

تاریخ کتاب تعداد ۳۰۰ نسخه در چاپخانه داورپناه چاپ گردید

صحافی: چاپخانه بهمن

شماره ثبت در دفتر مخصوص کتابخانه ملی ۶۵۵ مورخ ۱۳۸۷/۸/۴

سرآغاز

## به نام پروردگار بخشنده بخشناگر

پس از پاس بی پایان به درگاه خدای بزرگ بیجا و درود فراوان بر پیامبر جهانیان و سرور  
برگزیده گان حضرت محمد مصطفی (ص)،

در پرتو الطاف و عنایات شریار و داکتر و دانش پرور اعلی حضرت هالیون محمد رضا شاه  
پهلوی شاهنشاه ایران، که موجد دورانی تازه و تحولی شگرف در تاریخ چند هزار ساله سرزمین  
مبین است، نشریه کنونی شکل برگی از بهترین قلمهای تاریخی از آثار شوای ادب ایران در اوایل  
سده ششم هجری به اختیار دوستداران فرهنگ و تاریخ نگار در دسترس

درباره چگونگی کتاب و فایده و امتیازهای آن سخن بحث و خیز جامعی بکلی آفای دکتر خبثت  
محقق و مصحح از چند کتاب نوشته شده توضیحات لازم آمده است.

خوانندگان گرامی خود به بحث و مطالب آن توجه خواهند فرمود. در اینجا سخن را کوتاه کرده با  
سپاسگذاری از استادان محترم آقایان مجتبی مینوی و دکتر خانابایانی که برای به ثمر رسیدن کوششهای  
مربوط به چاپ و انتشار این کتاب همکاریهای ارزنده و مبذول داشته اند این سرآغاز را پایان می بخشیم.

بهجت تباری



## فهرست مطالب

مقدمهٔ مصحح	یا زده
مقدمهٔ مؤلف	۱

### قسم اول

در معرفت انساب و شعب و تواریخ انبیا و اوصیا و حکامی که از ابتدای	
دور آدم (ع) تا آخر ایام ابراهیم خلیل (ص) بوده‌اند	۳۶-۵
طبقهٔ اول - آدم و حوا و ...	۵
در بیان فطرت آدم (ع)	۵
شیث بن آدم	۷
طبقهٔ دوم - سام بن نوح تا ابراهیم خلیل صلوات الرحمن علیه	۱۲
حکایت ارم ذات‌العماد	۱۳
ابراهیم بن تاریخ (ع)	۲۲
<b>فصل - در بیان تواریخ و اصناف آن که منجمان بنیاد رسدها</b>	
و زیجها بر آن نهاده‌اند و غیر آن	۲۳

## قسم دوم

عهد کیومرث تا آخر ایام بزدجرد شهریار آخر ملوک عجم	۶۸-۲۷
طبقه اول - پیشدادیان	۷
طبقه دوم - کیانیان	۳۱
طبقه سوم - انکانیان	۴۴
طبقه چهارم - ساسانیان	۴۸

## قسم سوم

در بیان نسب مطهر محمد مصطفی (ص) تا ابراهیم خلیل (ص) و شرح حال و شعب خلفای راشدین و ائمه مهدیین تا ممتنع آخرین خلفای بنی العباس	۶۹-۲۱۵
هجرت مکیان از صحابه	۸۵
هجرت رسول (ص)	۸۶
غزوات النبی (ص)	۸۸
ابوبکر صدیق	۹۰
عمر بن الخطاب	۹۲
عثمان بن عفان	۹۵
امیر المؤمنین علی بن ابی طالب	۹۸
امیر المؤمنین حسن (رض)	۱۰۱
امیر المؤمنین حسین بن علی (رض)	۱۰۴
امام زین العابدین (رض)	۱۰۵
امام ابوجعفر محمد الباقر (رض)	۱۰۶
امام ابوعبدالله جعفر الصادق (رض)	۱۰۶



۱۰۸	قرامله
۱۱۱	ذکر محضری که بر بطلان نسب قرامله در عهد حاکم نوشته‌اند
۱۱۳	امام ابو ابراهیم موسی الکاتم (رض)
۱۱۴	امام ابوالحسن علی‌الرضا (رض)
۱۱۴	امام ابوجعفر محمد الجواد (رض)
۱۱۵	امام ابوالحسن علی [التقی] (رض)
۱۱۵	امام ابومحمد حسن العسکری (رض)
۱۱۵	امام ابوالقاسم محمد المهدی صاحب‌الزمان
۱۱۶	طبقه محمد حنفیه (رض)
۱۱۷	طبقه دوم - امرای بنی‌امیه
۱۳۴	طبقه سوم - خلفای بنی‌عباس

## قسم چهارم

	در اخبار سلاطین عظام و ملوک کرام که در ایام خلفای بنی‌العباس
۲۱۶-۲۴۴	به استقلال در ممالک ایران پادشاهی کرده‌اند
۲۱۶	طایفه اول - صفاریان
۲۱۸	طایفه دوم - سامانیان
۲۱۹	طایفه سوم - دیلمیه
۲۲۴	طایفه چهارم - غزنویان
۲۲۹	طایفه پنجم - سلجوقیان
۲۳۴	طایفه ششم - خوارزمیان
۲۴۰	طایفه هفتم - ملوک قهستان

## قسم پنجم

	در تاریخ یهود، ذکر انبیای بنی‌اسرائیل از عهد موسی (ع) تا آخرین
۲۴۵-۲۷۱	پادشاهان ایشان مشینا (صدقیا)

- طایفه اول - موسی کلیم الله تا ایشوشت پسرشاول ۲۴۵
- طایفه دوم - دارد علیه السلام و فرزندان او تا متینا ۲۵۴
- طایفه سوم - بردعام بن نواط تا آخرین پادشاه ایشان هوشیع بن ابلا ۲۶۵

### قسم هشتم

- در تاریخ نصاری و افرنج و نسبت مریم مادر عیسی تا داود (ع) و ذکر مملکت افرنج و قیصره و بابائی که خلفای مسیح اند از عهد مسیح الی یومنا هذا که شهر سنه سبع عشره و سبعمائه (۷۱۷) هجری است ۲۷۲-۳۱۰
- باب اول - در معرفت ولایت ارمن و افرنج و پادشاهان ایشان ۲۷۳
- فصل اول - در بیان حدود ولایت ارمن از مداین و ضیاع ۲۷۳
- فصل دوم - در معرفت افرنج و بحار و جزایر آن ۲۷۴
- فصل سوم - در ذکر قیصره از روملوس تا اغسطوس ۲۸۰
- باب دوم - در معتقدات نصاری در حق مسیح (ع) و ذکر بابان ، خلفای مسیح ۲۹۳
- فصل اول - در ذکر معتقدات نصاری در حق مسیح (ع) ۲۹۳
- فصل دوم - در مراتب پادشاهان و سروران افرنج ۲۹۴
- فصل سوم - در ولادت مسیح (ع) و نسبت مریم مادرش با داود (ع) و ذکر بابان ، خلفای مسیح ۲۹۵

### قسم نهم

- در تاریخ هندو و صور اقالیم و ذکر ممالک هندوستان و پادشاهی ایشان از عهد باسدیو ناسلطان علاءالدین ۳۱۱-۳۳۶
- باب اول - در حساب اعوام و قرون و صور اقالیم و ذکر ممالک هندوستان ۳۱۱

۳۱۲	فصل اول - در استبانت ادوار و قرون وکلب و چترجولک و غیر آن
۳۱۵	فصل دوم - در معرفت مساحت معموره زمین و صور اقالیم
۳۱۶	فصل سوم - در ذکر اقالیم سمره
۳۱۸	فصل چهارم - در معرفت زمین هندوستان
	باب دوم - در تاریخ ولادت شامکونی و حالات او و وضع دین تناسخ از
۳۲۴	نسخ و مسخ و رسخ و فسخ
۳۲۴	فصل اول - در ذکر پیغامبران هتود
۳۲۵	فصل دوم - در ولادت شامکونی
۳۲۷	فصل سوم - در حالات و مقالات او
۳۳۰	فصل چهارم - در وفات شامکونی
۳۳۱	باب سوم - در تاریخ پادشاهان هند
۳۳۱	طایفه اول - هندوان
۳۳۲	طایفه دوم - مللمانان (هند)

### قسم هشتم

	در تاریخ ختای از عهد نیکو تا آخر پادشاهان ایشان شودی شود و
۳۵۹-۳۳۷	(الثنان خان) که چنگیز خان و اولاد او با او محاربت کردند
	باب اول - در ذکر مملکت ختای و حساب ادوار و اعوام و مقتدات
۳۳۷	ایشان
۳۳۹	فصل اول - در تاریخ ختای
۳۴۰	فصل دوم - در ذکر ولایات ختای
۳۴۱	باب دوم - در ذکر پادشاهان ختای
۳۴۱	طایفه اول
۳۴۲	طایفه دوم
۳۴۳	طایفه سوم
۳۴۳	طایفه چهارم

۳۴۵	طبقه پنجم
۳۴۵	طبقه ششم
۳۴۵	طبقه هفتم
۳۴۵	طبقه هشتم
۳۴۷	طبقه نهم
۳۴۷	طبقه دهم
۳۴۷	طبقه یازدهم
۳۴۸	طبقه دوازدهم
۳۵۲	طبقه سیزدهم
۳۵۲	طبقه چهاردهم
۳۵۲	طبقه پانزدهم
۳۵۲	طبقه شانزدهم
۳۵۴	طبقه هفدهم
۳۵۴	طبقه هجدهم
۳۵۴	طبقه نوزدهم
۳۵۵	طبقه بیستم
۳۵۵	طبقه بیست و یکم
۳۵۶	طبقه بیست و دوم تا بیست و هفتم
۳۵۶	طبقه بیست و هشتم
۳۵۶	طبقه بیست و نهم
۳۵۶	طبقه سیام
۳۵۷	طبقه سی و یکم
۳۵۷	طبقه سی و دوم و سی و سوم
۳۵۷	طبقه سی و چهارم
۳۵۸	طبقه سی و پنجم
۳۵۸	طبقه سی و ششم

## فصل نهم

در تاریخ مغول و نسب چنگیزخان تا دوبان و الانقوا ، شرح خروج  
چنگیزخان و گرفتن ممالك ایران، و شعب فرزندان او الی یومنا هذا

(۷۱۷ هجری) ۴۸۰-۳۶۰

۳۶۰ طایفه اول - چنگیزخان با پسر و مین او کتای قاآن

۳۶۴ تاریخ خلفا و سلاطین و ملوک و خواقین و اتابکان معاصر چنگیزخان

۳۶۵ حکایت توجه چنگیزخان به ایران زمین

۳۷۱ تنه داستان چنگیزخان

۳۷۵ تاریخ خواقین و خلفا و سلاطین و ملوک و اتابکان آخر عهد چنگیزخان

۳۸۲ داستان او کتای قاآن بن چنگیزخان

۳۸۳ تاریخ خلفا و سلاطین و ملوک و اتابکان معاصر او کتای قاآن

۳۸۶ حکایت عدل و جوانمردی او کتای قاآن

۳۹۱ داستان کیوک خان بن قاآن بن چنگیزخان

۳۹۴ تاریخ خلفا و سلاطین و اتابکان معاصر کیوک خان

۳۹۴ طایفه دوم - جوجی خان بن چنگیزخان و فرزندان او

۳۹۷ طایفه سوم - جغتای پسر چنگیزخان و خوانین و فرزندان او

۳۹۸ طایفه چهارم - تولوی خان بن چنگیزخان و خوانین و فرزندان او

۳۹۹ داستان منکوخان بن تولوی خان و خوانین و فرزندان او

۴۰۱ حکایت غدر اندیشیدن شهزادگان

۴۰۲ حکایت حاضر شدن منکوخان در اردوی چنگیزخان

۴۰۴ تاریخ خلفا و سلاطین و ملوک و اتابکان معاصر منکوخان

۴۰۴ داستان قوبیلای قاآن و خوانین و فرزندان او

۴۰۷ تاریخ سلاطین و ملوک و اتابکان معاصر قوبیلای قاآن

۴۰۹ داستان نیمورقان بن جینکیم بن قوبیلای قاآن

۴۱۰ قصیده در مدح پادشاه ختای بابا اتوقان بن کملا .... بن چنگیزخان

۴۱۱ داستان هولاکو خان بن تولوی خان و خوانین و فرزندان او

- ۴۱۲ حکایت توجه هولاکوخان به ایران زمین
- ۴۱۶ حکایت توجه هولاکوخان به جانب بغداد
- ۴۲۰ حکایت توجه هولاکوخان به دیار شام
- ۴۲۲ حکایت توجه شهزاده پوشموت به جانب قلعه ماردین
- ۴۲۴ حکایت جنگ هولاکوخان با برکای
- ۴۲۵ حکایت تفویض ولایات به ولات و وفات هولاکوخان
- ۴۲۶ داستان اباقاخان بن هولاکوخان و خواتین و فرزندان او
- ۴۲۶ حکایت جلوس اباقاخان
- ۴۲۷ حکایت مصاف دادن لشکر اباقاخان با بوقای و برکای خان
- ۴۲۹ حکایت آمدن براق به خراسان
- ۴۳۳ حکایت آمدن بندقدار به جانب روم
- ۴۳۶ وفات اباقاخان
- ۴۳۷ داستان سلطان احمد نکودار و خواتین و فرزندان او
- ۴۳۹ حکایت هلاک شدن قونقراهای و توجه سلطان احمد به خراسان
- ۴۴۰ داستان ارغون خان بن اباقاخان و خواتین و فرزندان او
- ۴۴۱ حکایت جلوس ارغون خان
- ۴۴۲ حکایت حال شمس الدین صاحب دیوان
- ۴۴۳ حکایت آمدن پولادجینک سانک و اردوقیا از بندگی قآن
- ۴۴۶ حکایت وفات ارغون خان
- ۴۴۷ داستان کیخانوخان بن اباقاخان و خواتین و فرزندان او
- ۴۴۷ حکایت جلوس کیخانوخان
- ۴۴۸ حکایت عاصی شدن بایدو در بغداد
- ۴۵۰ داستان غازان خان بن ارغون خان... بن چنگیز و خواتین و فرزندان او
- ۴۵۰ ذکر خواتین غازان خان
- ۴۵۱ حکایت رکوب غازان خان به عزم آذربایجان...
- ۴۵۴ حکایت اسلام (آوردن) غازان خان
- ۴۵۵ حکایت حال بایدو و مخالفت امرا...

۴۵۶	حکایت جلوس سلطان محمود غازان خان
۴۵۸	حکایت حال نوروز و شهید شدن او
۴۶۰	حکایت نوحه غازان خان به دیار شام
۴۶۳	حکایت سیورغامیشی یافتن خواجه سعدالدین ساوجی ...
۴۶۵	قصیده در مدح غازان خان
۴۶۸	نصیده دیگر در مدح غازان خان
۴۷۰	حکایت وفات غازان خان
۴۷۱	شعر در مرثیه غازان خان
۴۷۲	داستان سلطان محمد اولجایتو خان و خواتین و فرزندان او
۴۷۷	داستان سلطان علاءالدین والدین ابوسعید
۴۷۸	حکایت رکوب سلطان ابوسعید از خراسان به عزم عراق ...
۴۷۹	خاتمه کتاب (شعر)

### فهرست‌ها

۴۸۱	فهرست نامهای کسان
۵۵۳	فهرست نام جاها
۵۷۱	فهرست قبایل و فرقه‌ها و مذاهب و خاندانها و سلسله‌ها
۵۷۶	فهرست کتابها
۵۷۸	فهرست مأخذ





به نام خدای توانا

### مقدمه مصحح

درباره تاریخ عمومی جهان کتابهای بسیاری به عربی یا فارسی در دست است. این کتابها را به دودسته بزرگ می‌توان تقسیم کرد: يك دسته کتابهایی هستند که به نشر فنی و ادبی نگارش یافته‌اند و در واقع قصد مؤلفان در این نوع آثار تنها تاریخ نگاری نیست و غالباً مطالب در گرو صنایع لفظی و معنوی و تعقید و تکلف قرار می‌گیرد، از این قبیل است کتابهای جهان‌نگشای جوینی، تاریخ و صاف، ترجمه تاریخ یمینی، تاریخ المعجم، تاریخ اولجایتو، تاریخ ابن بی‌بی و ده زمانهای اخیر حبیب‌السیر و روضة الصفا و دره نادره و جز آن که برخی از اینها جزو متون کهن فارسی به شمار می‌آیند.

دسته دیگر کتابهایی هستند که به نشر مرسل و ساده نگارش یافته‌اند و مؤلفان این کتب جز تاریخ‌نویسی غرضی نداشته‌اند، از این قبیل است تاریخ‌گردیزی، مجمل‌التواریخ و القصص، تاریخ‌سیستان، تاریخ بیهقی، جامع‌التواریخ رشیدی و... پیداست که اینگونه کتب برای محققان سودمندتر و سهل‌الحصول خواهد بود. تحریر و ساده‌سازی برخی از کتب تاریخی متکلف که در زمان ما آغاز شده (از

قبیل تحریر تاریخ و صاف به قلم آقای عبدالمحمد آیتی مؤید این مقال است .  
از جمله کتابهای دسته اخیر ، تاریخ بناکتی کتاب حاضر است که نثری  
ساده و استوار دارد و در همه صفحات و فصول کتاب این امر به چشم می خورد و  
نیازی به نقل مثال نیست .

### نام کتاب

نام اصلی کتاب « **روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب** »  
است که به **تاریخ بناکتی** ، به نام مؤلف ، شهرت یافته است . علامه فروینی در  
مقدمه جهانگشای جوینی « ج ۱ ، ص ۵ » و نیز اقبال آشتیانی در تاریخ مفصل ایران ،  
مقول « ص ۵۲۰ » نام کتاب را « **روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب** »  
آورده اند ، اما در نسخه های خطی موجود بجز « با » به صورت نخستین است .

### مؤلف

مؤلف کتاب ، **فخرالدین ابوسلیمان داود بن تاج الدین ابوالفضل محمد بن**  
**محمد بن داود البناکتی** است . وی در یک مورد از خود چنین یاد می کند : « **جامع**  
**این تواریخ ابوسلیمان داود الملقب به فخر البناکتی که از جمله دعاچیان آن**  
**حضرت (غازان خان) بود و مد نظر رحمت و رأفت به حال این ضعیف نگریسته**  
**و به ملک الشعراء سیور غامیشی فرموده ، این قصیده در اردوی زرین به معرض**  
**عرض آورد و سیور غامیشی یافت و القصیده هذه ...** » (کتاب حاضر ، ص ۴۶۵) .  
پدرش **تاج الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن داود البناکتی** است صاحب  
کتاب **میسور** در شرح مصابیح و نیز کتاب **مصباح الضمیر من صحاح التفسیر** ، که  
در صفر سال ۶۸۲ در گذشته است<sup>۱</sup> . برادری هم به نام **سید نظام الدین علی** داشته

۱- نقل از یادداشت استاد مجتبی میثوی بر پشت برگ اول از نسخه خطی متعلق به

کتابخانه شخصی خود .

است که از عرفای مشهور تبریز و شاعر بود. وی در ماه رجب از سال ۶۹۹ هـ ق. وفات یافت<sup>۱</sup>. قصیده‌ای از او در همین کتاب (ص ۴۶۲) آمده است به این مطلع:

الا ای خسرو صاحب معانی که بادت عمر دولت جاودانی

داود بناکتی مؤلف کتاب از شهر بناکت<sup>۲</sup> یا بناکت<sup>۳</sup> است که شهری بوده بر کنار رود سیحون واقع در ماوراءالنهر<sup>۴</sup>. یاقوت گوید: بناکت شهر بزرگی است و دانشمندی از آنجا برخاسته‌اند. نگارنده این تاریخ از ادیبان و شاعران<sup>۵</sup> عهد غازان و اولجایتو و ابوسعید بود و در دستگاه غازان خان سمت ملک الشعرائی داشت<sup>۶</sup>. وی پس از سال ۷۱۷ هـ ق. که سال پایان یافتن تاریخ اوست سیزده سال دیگر زنده بوده و سرانجام به سال ۷۳۰ هـ ق. در گذشته است<sup>۷</sup>. در مآخذ موجود کتاب دیگری جز دیوان شعرش<sup>۸</sup> از او یاد نشده.

از جمله اشعاری که فخر بناکتی سروده است، دو قصیده در مدح غازان-خان در کتاب حاضر آمده، نخستین به مطلع:

دوش از بحر معانی از بنان در بیان کردید ا منطق‌ی آن طوطی شکر فشان<sup>۹</sup>  
و دیگری به مطلع:

شکر یزدان را که از نایب دور آسمان

یافت صحت ذات پاک خسرو صاحب قران<sup>۱۰</sup>.

و دولتشاه (تذکره، ص ۱۰۰) غزلی به مطلع زیر از وی آورده است:

باز این عتاب جانان باماجر است گویی پیمان وعهد ایشان باد هواست گویی

اهمیت کتاب

موضوع کتاب تاریخ عمومی عالم است از خلقت آدم تا جلوس ابوسعیدخان

۱- رك: همین کتاب، ص ۴۶۲. ۲- به فتح با و كسر كاف (معجم البلدان).

۳- رك: ترجمه سورة الارض، جعفر شعار، ص ۲۴۶. ۴- فرهنگ سخنوران، دکتر خیامپور، ذیل فخر بناکتی. ۵- رك: اقبال آشتیانی، تاریخ مفصل ایران،

(مغول) ص ۵۲۰. ۶- رك: اسماء المؤلفین، اسماعیل باشا، ۱: ۳۶۰ و استوری ۱: ۷۹.

۷- همین کتاب، ص ۴۶۵. ۸- همین کتاب، ص ۴۶۸.

و در شوال سال ۷۱۷ ه. ق. تألیف آن انجام یافته، چنانکه عبارت «و این زمان که شهر سنة سبع عشر و سبعائة (۷۱۷) هجری است...» مندرج در جای جای از همین کتاب<sup>۱</sup> تردیدی در این معنی باقی نمی‌گذارد.

بناکتی در تألیف این تاریخ از چند کتاب تاریخی خاصه جامع التواریخ رشیدی بهره برده، وی می‌گوید: «در خاطر آمد که در علم تواریخ و انساب... کتابی سازیم... و شطری از اقوال و احوال و حکایات ایشان که در هر کتابی دیده و از هر مورخی و نسابه‌ای شنیده و تفحص بلیغ نموده بتخصیص از کتاب جامع التواریخ... بروجه ایجاز باز نمایم» ص ۱. «علامه قزوینی گوید: [مؤلفان] تاریخ گزیده و تاریخ بناکتی و روضة الصفا و حبیب السیر و سایر تواریخ متأخره جمیعاً فصول بسیار از جهانگشا را در کتب خود نقل نموده‌اند...»<sup>۲</sup> اما ظاهراً نقل مطالب جهانگشا به طور غیر مستقیم از طریق جامع التواریخ صورت گرفته است. این کتاب که به تاریخ بناکتی شهرت دارد، برخلاف تواریخ دیگر اسلامی مانند جامع التواریخ، شامل شرح بالنسبه مبسوط دقیق است از احوال ملل غیر مسلمان مثل یهود و عیسویان و هند و چینی‌ها و مغول (رك: فهرست کتاب)، و مؤلف علاوه بر اطلاعاتی که در این باب از جامع التواریخ استخراج کرده، چون خود در دربار ایلخان عظیم الشانی مثل غازان سمت ملك الشعرا بی داشته، از او و سایر مقیمان دربار اطلاعات دیگری نیز کسب کرده و به همین جهت کتاب او با وجود صغر حجم از تواریخ معتبر عهد مغول است.<sup>۳</sup>

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌داند که به عقیده نگارنده یکی از کارهای مهم در راه تدوین تاریخ جامع و مستدل ایران که مدتهاست به اندیشه آن

۱- از جلد ۳۹۷. ۲- مقدمه جهانگشای جوینی ۱: ف. ۳- رك: تاریخ

مفصل ایران، مغول، ص ۵۲۰.

هستند احراز منابع و مآخذ معتبر تاریخی است و این منابع به عربی یا فارسی است. مطالب مربوط به تاریخ ایران در منابع عربی هر چه باشد باید استخراج و ترجمه شود، اما از منابع فارسی آن قسمت که هنوز به چاپ انتقادی نرسیده است باید در اسرع وقت به وسیله سازمانهای انتشارات دولتی یا ملی نشر شود. اگر در کتابی حتی ده نکته تاریخی باشد برای روشن شدن زوایای تاریک تاریخ ملت کهنسال ایران، طبع و نشر آن حایز اهمیت بلکه ضرور است.

از مزایای کتاب، چنانکه پیش از این اشاره کردیم، سادگی نشر آن است. خواننده این تاریخ هر گز مواحه عبارات و الفاظ مغلق و پیچیده و متکلف نمی-شود، بعلاوه مطالب با نظم خاصی در فصول گوناگون آمده و وقایع تاریخی بافید ماه و سال و گاهی روز درج گردیده است و به اصطلاح امروز کروئولوژی است، اما مؤلف در ضمن وقایع تاریخی، جای جای همانند سایر کتب تاریخی، از بیان قصص و داستانها و نیز پند و حکمت فرو گذار نکرده است و گاه بندرت افسانه نیز گفته است<sup>۱</sup>.

مزیت دیگر این کتاب نشر ادیبانه آن است که از زیور فصاحت و بلاغت عاری نیست و مطالب چنان تلفیق یافته است که خواننده را ملال نمی آورد. جملات کوتاه و استوار و طبیعی و خالی از تکلف و عبارت پردازی است. از این رو کتاب حاضر را باید یکی از متن های کهن و اصیل فارسی به شمار آورد که در حد خود نشان دهنده سبک نشر قرن ششم هجری است و لغات تازه و اصیل فراوان دارد، از جمله به عنوان نمونه به چند واژه اشاره می کنیم:

پایندان (ص ۷۳) به معنی ضامن، که در سایر متن های کهن نیز به همین صورت و نیز به صورت پایندانی (حاصل مصدر) دیده می شود.

توکیل کردن، در معنی باز داشت و توقیف کردن: فرمود تا در آن شب شیخ محمود را توکیل کردند ... (ص ۴۶۴) این واژه در گلستان سعدی نیز آمده: «اتفاقاً از او (خواجده) حرکتی در نظر سلطان ناپسند آمد، مصادره فرمود و عقوبت کرد و سرهنگان ملک... در مدت توکیل او رفق و ملاحظت کردند...» (چاپ فروغی، ص ۴۱) که در این عبارت نیز به معنی توقیف و بازداشت کردن است، و باید دانست که این معنی از فرهنگها ساقط شده است.

خصم، در معنی اصلی یعنی طرف دعوی «نه دشمن»: بعد از آن رسول - (ص) ... علی را بگذاشت تا امانت مردم به خصمان باز سپارد «ص ۸۶» این واژه در متن های دیگر نیز آمده است.

شاهد، در معنی معشوقه: «و شاهی چون شیرین، که به حسن مشهور جهان و افسانه زمان بوده، داشت (خرو پرویز) «ص ۶۵» در فرهنگها این واژه به پسر زیبا رو و معشوق معنی شده است.

### رسم خط کتاب

قدیمترین نسخه کد در این چاپ (اساس) قرار داده شده است، نسخهای است متعلق به استاد مجتبی مینوی، که به تشخیص دانشمند محقق آقای محمد تقی دانش پژوه در حدود قرن ۹ و ۱۰ کتابت شده است، بنابر این اختصاصات قابل ذکرى مربوط به رسم خط در این نسخه دیده نمى شود جز اینکه حروف پ، چ و ک همه جا به صورت ب، ج و ک آمده. زاله‌های قدیم عموماً به صورت امروزی یعنی دال ضبط شده، «بد» حرف اضافه مانند متون کهن عموماً جز در موارد نادر، متصل به کلمه بعدی تحریر شده، اما در چاپ حاضر برای تسهیل خواندن خاصه بر سر نامهای خاص جدا نوشتیم.

در بیشتر جاها پس از مضاف یاء حرف اضافه (به جای کسره) آمده که از آثار رسم خط قدیم است، چنانکه در قصص قرآن (تفسیر سوره آبدی) مکرر به

چشم می‌خورد، از جمله: «تا روزی زنی وی در سرای نوحه می‌کرد» (ص ۷۸) و رك: همین تفسیر، ص ۱۹، و نیز مقدمه آن، ص بیست و پنج، و مانند «زانوبندی اشتر» (= زانوبند اشتر) (مجمعل التواریخ والقصص، ص کو) و مانند: اندر مدتی سیصد و هفتاد سال (ایضاً ص کو) و مانند «چون ساعتی بود توقف کردم، خادمی او در آمد ... (مقامات ژنده پیل ص ۳۵).

در این کتاب مانند سایر کتب مشابده، گاهی استعمال ناروا نیز دیده می‌شود مانند استمداد طلبیدن به جای «استمداد کردن» (ص ۵۳).

### نسخه‌های کتاب

از تاریخ بناگشتی نسخه‌های متعدد در کتابخانه‌ها یافت می‌شود که از ۳ نسخه در تصحیح و تنقیح چاپ حاضر بهره برده‌ام بدین قرار:

۱ - نسخه خطی متعلق به کتابخانه شخصی استاد مجتبی مینوی، کتابت شده در قرن ۹ یا ۱۰ به خط نسخ، که فیالمی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۵۴۳ ف موجود است. این نسخه با وجود اغلاط و اشتباهات بسیار بخصوص در اعلام، قدیمترین و اصیلترین نسخه‌های موجود است و از این رو اساس این طبع قرار داده شده (رك: عکسهایی از صفحات همین نسخه در این مقدمه) علامت این نسخه در طبع حاضر «م» است.

۲ - نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی پاریس به شماره S: p. 210 «باوشه ۲۵۹» که عکسی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره‌های ۱۶۴۱ و ۱۶۴۲ موجود است، کتابت شده به خط نستعلیق در مجرم سال ۱۰۱۳ ه. ق. شامل ۲۰۹ برگ که هر برگ ۱۹ سطر است. مهر کتابخانه لارسنال l' Arsenal Bibliothèque بر پشت برگ اول دیده می‌شود. نشانه این نسخه «پ» است و از آن به عنوان نسخه دوم استفاده شده.

## آغاز

الحمد لله حق حمده والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اما بعد  
چون حق جل وعلا توفیق رفیق این ضعیف و هو اضعف خلق الله تعالی ابوسلیمان بن  
داود ...

## انجام

تمت الكتاب بعون المالك الوهاب بتاريخ شهر محرم الحرام سنة ١٠١٣ ثلاث  
عشر والف من هجرة النبوية .

۳ - نسخه خطی متعلق بدکتابخانه بادلان (اکسفورد) کتابت شده احتمالاً  
در قرن ۱۱ یا ۱۲ ، که فیلمی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بد شماره  
۹۹۵ ف و نیز عکس آن در ۳ جلد بد شماره های ۲۴۹۶ و ۲۴۹۷ و ۲۴۹۸ موجود  
است . این نسخه بدخط نستعلیق زیبا و پیخته در ۲۶۸ برگ و هر برگ شامل ۱۶  
سطر نوشته شده . علامت نسخه «با» است و در طبع حاضر از صفحه ۳۷۳ بد بعد ،  
از این نسخه بهره برده ام .

## آغاز

الحمد لله حق حمده والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله واصحابه  
و خلفائه ، اما بعد چون حق تعالی توفیق رفیق این ضعیف گردانید و هو اضعف  
عباد الله ابوسلیمان داود بن ابی الفضل البناکتی ...

## انجام

دل خلق جهان زو شاد گردان  
دوام عمر و کام و نام و انعام

جهان از عدل او آباد گردان  
ببخشش از فلک هر صبح و هر شام

تمت الكتاب بتوفیق الله تعالی م .

بجز اینها نسخه های دیگری از قر نه های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ موجود است ، اما





این کتاب از حضرت شیخ الاسلام  
 محمد بن اسماعیل بن علی بن ابی طالب  
 علیه السلام است که در این کتاب  
 از احوال و صفات و مناقب  
 ائمه اطهار علیهم السلام  
 و از احوال و صفات و مناقب  
 ائمه اطهار علیهم السلام  
 و از احوال و صفات و مناقب  
 ائمه اطهار علیهم السلام

۸-  
 ۸

ذات شریف و منظور لطیف او را بر سر کافه و اسلام با انعامی  
 در دولت و کامرانی و معدلت و جعان با حق بآینده و مستدام دارا و جلال  
 - تعمر / ثبوت و دولت عیش جای تو باد در بخت و اقبال و حقایق تو باد  
 هر عادت که در جعان باقی است دایما آن حق برای تو باد  
 عون حق هر کجا که حضرت نشسته با سپهان در سهرای حق با د  
 هر چه خواهی که در گار جعان حاصل آن جلد بر رضای حق با د  
 ظفر و عز و دولت و اقبال دایم از فضل پیشوای تو باد  
 تا ماند دنیا حکمت دایم همه عمر در پناه تو باد  
 بخت از عمر حق چون نیست تا فتنای جعان پتوی تو باد

سال ذی القعدة و یوم النحر و فی شهر رجب  
 سال ۱۰۰۰ هجری شوال شد ایست دفتر تمام از این حال  
 ز نادر ملوک و بادشاهان بز حال نیکو و نیک خدایان  
 ز آدم تا محمد شاه سزاگوار یکا یک شرح حقوقی برآورد  
 که در یک زبانشان چون امیر رفتند و اگر کو چک بر آن شخص کرده اند  
 از ایشان در جعان جویی نشان نیست بجز نامی او و جعان جویی نشان نیست  
 جویی باید شدن ز جعان با کام خنک انگس کو و با نیکو نام  
 جو بر عواغدا نیست جویش بدین و دانق و داد و دهش بخش  
 که نامش از اینها باز ماند جعان کس را عز و مردم نخواهد  
 جعان او را تو عدل و داد بخش بیوفی مکرمت ارشاد بخش  
 جعان لای عدل او آباد گودان دل خلق جعان زو شاد گودان  
 بخشش از ملک و سیع و هر شام دوام و عمر کام و نام و انعام  
 در جعان از علی دوام و با مام و نام و انعام

محمد بن اسماعیل

وزیر چنین بای که خدا ترس و بادشاه دوست و جهان بان و رعیت پرور بود تمام  
 نیک برصها یافا و دق و دوا دین نکارد و بیاد کار بگذارد و از آثار او پنهان  
 شیوازی است و از مشاهیر حکما سقراط عامل تعلیم نیشا خورس و طیمارس و  
 جاما سبکیم معمار و بودمان و مدت بادشاهی کشتاب صد بیست سال و گویند  
 شهرت حال بود بهمن ابن اسفندیار چون بادشاه شد میبویت حزب و رسم نیکو  
 نهاد و عالم آبادان کرد و دین زردشت را قوت داد و اطراف جهان را بگرفت و قصد  
 ستخان کرد و ناپاستا نوا خواب کرد و فراموز را بگشاید بدو بردار کرد و از آثار او بد  
 فارس بند بهمن در گذارست و شهرها و جوم و پوشکان و دیمتر اطمیس حکیم و براط  
 طبیب معمار داده اند و مدت بادشاهی او پنجاه سال و گویند صد چهارده سال بد  
 شهر ایام عمر بهمن اگر چه بعد بود که فرزند خود را که گشت  
 هر چند بود و روشن چشم جان بود هم عاقبت زمیننا چشم چرخ گشت همان بخت  
 بهمن چون بهمن در گذشت او را دختری بود با کفایت و دایمی نام او دهمی او را دهمی  
 کرد و بهمن او را خواسته بود و او از بد حاله گشته بعد از نه ماه آن محل نهاد و پسری  
 زاد که در حال رشک لندن و خوشه رضوان بدو های رسید که او این پسر را آشکار کند  
 کار از دست وی بود و جهان نموده که آن محل که در وقت بهمن بود خلق بود فرزندان  
 پس فرمود تا عین و قی با خشنود او را در اینجا بگذارد با چند صوره زرد و جواهر  
 یا قوی قیصری در آب انداختند اتفاقا کازری آن صندوق را بگرفت و بجا نه بود و  
 در آن چند خط او را بیجی مفضل نامیده بود کازرو زن او را بر سر دیدن و در این نام نهادند  
 چون بزرگ شد و روزی کازر را گفت که مرا کانی آید که تو بد و منیشی و مرا بدهد  
 از تو بد کند و باشد از بهر آنکه من در خود دهمی می بینم که مناسب می خیزد نیست کازر گفت  
 چه زیاده دارد که هر نتیجه سنگ است و با بریشم فرزندان بد است و شهید که خدای جان است

چون این نسخ چندان اهمیتی نداشتند مورد استفاده قرار نگرفتند و به همین سبب از شرح خصوصیات آنها چشم‌پوشی شد.

### روش تصحیح

این چاپ بر پایه نسخه «م» و مقابله با نسخه‌های پ و با تصحیح شده، اما چون هیچیک از نسخه‌ها عاری از اغلاط و اشتباهات، خاصه در اعلام، نبود، از این رو با مراجعه به مأخذ معتبر عربی و فارسی صورت صحیح کلمات و اعلام درج گردید، و برای سهولت استفاده خوانندگان همه سنوات تاریخی که به عربی مندرج بود با رقم در داخل پراوتر توضیح داده شد. با اینهمه مواردی لاینحل یا مشکوک مانده یا اساساً کلمه ناخوانا بوده است که این موارد با نشانه پرسش مشخص شده است. ضمناً برای مزید فایده، فصل ششم از کتاب حاضر را با تاریخ افرنج از کتاب جامع التواریخ رشیدی که جداگانه به تصحیح کارل‌یان چاپ شده است مطابقت دادیم و ضمیمه کتاب کردیم. این ضمیمه بسیاری از دشواریهای اعلام تاریخ فرنگ را روشن می‌سازد و محققان را در تحقیق اعلام به کار می‌آید، و پیداست که درج اینهمه اختلافات در حواشی کتاب خواننده را سردرگم می‌کرد و نتیجه مطلوب را نمی‌داد و به همین سبب به پایان کتاب الحاق شد.

بر اهل فن پوشیده نیست که تصحیح و چاپ کردن چنین کتابی که تاریخ عمومی عالم است و اعلام گوناگون فراوان و غیر مأنوس، خاصه به سبب احتواء به تاریخ چین و هند و مغول و یهود، دارد و نسخه منقحی هم از آن به دست نیست تا چه اندازه دشوار است. با آنکه نگارنده در تحقیق نامها و جز آن به قدر وسع و طاقت کوشیده (که حواشی متعدد نماینده این امر است)، بیقین این طبع از اشتباه و خطا بدور نیست، امیدوارم که خوانندگان دانشمند در هر جا که به اشتباهی برخوردند از راه لطف و مرحمت نگارنده را آگاه سازند تا به هنگام تجدید چاپ اصلاح شود. در تصحیح این کتاب، چنانکه اشاره کردم، دشواریهای فراوان بر سر راه بود، اما یاری بیدریغ استادان و دوستان دانشمند سبب شد که از مشکلات و موانع نهراسم؛

و در نتیجه کتابی گرد آلود و تیره رنگ از تاریکخانه نسخه‌های عکسی که بلا استفاده مانده و در گوشه‌ای غم‌وده بود، پرده برانداخت و به صورت اثری منقح نمایان شد و به محققان فن تاریخ عرضه گردید. استاد مجتبی مینوی علاوه بر نسخه خطی ایشان که از طریق عکس موجود در کتابخانه مرکزی از آن استفاده شد، نسخه خطی دیگری مرحمت کردند که در برخی موارد از آن بهره بردم، دوست دانشمند، استاد کتابشناس آقای محمد تقی دانش پروه در قدم اول به یاریم شتافتند و درباره نسخه‌های موجود از تاریخ بناگشتی، راهنماییهای سودمند کردند. دوست عزیزم آقای محمد حسین صدر عضدی زحمت استنساخ کتاب و تصحیح مقداری از نمونه‌های مطبوعی و دوست گرامی آقای محمد تقی زاده فارغ التحصیل فوق لیسانس رشته ادبیات فارسی دانشسرای عالی تصحیح بقیه نمونه‌ها را تحمل کردند، و تهیه فهرست را که کار بسیار پرمزحمتی بود جوان فاضل دقیق آقای مهدی مدایینی بر عهده داشت، سپاسگزاری از همه ایشان بر بنده فرض است.

مشوق اصلی نگارنده در اقدام به تصحیح و نشر کتاب، دانشمند گرامی و استاد بزرگوار جناب آقای علی اصغر حکمت رئیس هیئت مؤسسين انجمن آثار ملی هستند که همیشه منبع خیر بوده و در اشاعه فرهنگ و نشر موارث علمی و ادبی کشور کوشیده‌اند، بذل توجه ایشان به این اثر موجب امتنان است. بانی نشر این کتاب انجمن آثار ملی است که ریاست هیئت مدیره آن با تیمسار سپهد آقاولی است. ایشان با سعه صدری که دارند طبع این کتاب را در جزو انتشارات انجمن مقرر داشتند و بی‌باری و مساعدت چنین انجمن شریفی هرگز امید نمی‌رفت که کتابی از موارث کهن ادب و تاریخ ایران بدین سان پاکیزه و منقح در دسترس طالبان تحقیق قرار گیرد و بالله التوفیق.

۱۳۳۸ - آبان ماه

جعفر شعار